

میهمانان هفته پایانی « کتاب باز» مشخص شدند



حامد بهداد، بازیگر مشهور سینما و تلویزیون در هفته پایانی پخش برنامه کتاب‌باز میهمان سروش صحت می‌شود. به گزارش روابط عمومی برنامه کتاب‌باز، دراگان اسکوچیچ، مصطفی زمانی، بهاره افشاری و مجتبی شکوری دیگر میهمانان این هفته برنامه «کتاب‌باز» هستند. این برنامه به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدرضا رضائیان و با اجرای سروش صحت، شنبه تا پنجشنبه ساعت ۱۹ در شبکه نسیم پخش و روز بعد در ساعات ۹ و ۱۴ بازپخش می‌شود.

روزهای پرکار بهرامرادان



بهرام رادان به‌زودی با بازی در یک سریال و یک اجرا در شبکه نمایش خانگی حضور می‌یابد. رادان که پیش از این با بازی در سریال «رقص روی شیشه» حضور در شبکه نمایش خانگی را تجربه کرده بود، این روزها با هدایت حسن فتحی به بازی در نقش شاه قاجار در سریال «جیران» می‌پردازد. این سریال نخستین همکاری بهرام رادان با حسن فتحی و احسان جوانمرد به عنوان نویسنده است.

او همچنین قرار است به‌زودی با اجرای یک برنامه اینترنتی، مجریگری را نیز تجربه کند. بهرام رادان تاکنون، به‌جز اجرای افتتاحیه سی‌وچهارمین جشنواره فجر و مراسم حراج آثار هنرهای تجسمی «خانه خویان»، تجربه‌ای جدی در این زمینه نداشته است. هنوز جزئیات رسمی درباره این برنامه منتشر نشده، اما طبق شنیده‌ها قرار است این برنامه در بستر یکی از پلتفرم‌های اینترنتی منتشر شود.

فیلم‌های ایرانی در جشنواره هنگ کنگ

چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم هنگ کنگ میزبان هشت فیلم ایرانی در بخش سینمای جهان خواهد بود. به گزارش ایسنا، «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکری، «منطقه پایانی» به کارگردانی بردیا یادگاری و احسان میرحسینی، «خط فرضی» به کارگردانی فروش صمدی، «مجبوریم» به کارگردانی رضا درمیشیان، «رادیولوژی یک پرتره» ساخته فیروز خسروانی، «دشت خاموش» به کارگردانی احمد بهرامی، «پسر-مادر» اثر مهناز محمدی و همچنین فیلم کوتاه هجده‌دقیقه‌ای «پنهان» در بخش سینمای جهان چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم هنگ کنگ حضور خواهد داشت. این رویداد سینمایی از اول تا دوازدهم آوریل (۱۲ تا ۲۳ فروردین) برگزار می‌شود و امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا، امکان دعوت از میهمانان خارجی را نخواهد داشت.

آغاز اکران آنلاین «پیشی‌میشی»



اکران آنلاین فیلم «پیشی‌میشی» به کارگردانی حسین قناعت آغاز شد. این فیلم که از حضور بازیگرانی چون رضا شفیعی‌جم، بهاره رهنما، ارژنگ امیرفضلی، نفیسه روشن و محمد شیرازی‌بزرگ‌مشهدی تلویزیون بهره گرفته هم‌اکنون روی پرده سینماها هم درحال اکران است. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت فیلمبو و نماوا با پرداخت ۲۰ هزار تومان به تماشای «پیشی‌میشی» بنشینند. فیلم حسین قناعت را می‌توان اولین اثر از فیلم‌های اکران آنلاین نوروزی دانست. در سایت فیلمبو از فیلم‌های «آقای سانسور»، «بعد از تو» و «دیدن این فیلم جرم است» به عنوان آثاری یاد شده‌است که به‌زودی اکران آنلاینشان آغاز می‌شود. «آقای سانسور» به کارگردانی علی جبارزاده و با بازی محمدرضا فروتن و بهرام افشاری و «دیدن این فیلم جرم است» ساخته رضا زهتاییچیان با بازی مهدی زمین‌پرداز، امیر آقایی، لیندا کیانی و حسین پاکدل، از آثاری هستند که در سینماها روی پرده رفته‌اند و اکرانشان همچنان نیز ادامه دارد. اما فیلم «بعد از تو» به کارگردانی فرهاد نجفی پیش از این در سینماها به نمایش درنیاآمده بود و به نظر می‌رسد با تصمیم عواملش قرار است با اکران آنلاین نمایش عمومی‌اش را آغاز کند.

شهریار

روزنامه شهرامید وزندگی

اشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۶ ۲۴ رجب ۱۴۳۸ ۲۳ فروردین ۱۳۹۷

۱۴



فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با حسن سمندری، بازمانده نسل طلایی موسیقی مقامی خراسان

برای درمان دخترم سازم را فروختم



عکس: مصطفی گزلی‌شورآز

بیماری دخترم، از هیچ جایی حمایت نشدم. چهار ماه برای دیالیز دخترم در بیمارستان قائم بودم، آن‌قدر دلتنگ سازم شده بودم که آن را همراه خودم کردم. رفتم بیمارستان بقیه‌ا... در تهران، ساز هم با من بود. آنجا حمایت کردند و اسکان دادند.

او ادامه می‌دهد: از این درد بزرگ‌تر برای هنرمند نیست که جهانی او را بشناسند و بیایند دستش را دراز کند و بگوید واقعا ندارد. خیلی جرئت می‌خواهد. رو و توان می‌خواهد که بیاید بگوید ندارم. ۲۵۰سال موسیقی مقامی در خانه‌استاد سمندری جادارد. اگر ما گرفتار نباشیم، حرفی نمی‌زنیم. چون از مرحوم استاد سمندری در آن زمان حمایت می‌شد من هم ساز را برداشتم و دنبال هیچ شغل و هنر دیگری نرفتم.

به گفته او مرحوم استاد سمندری وصیت کرده بود، سازش را به جایی تحویل بدهند

دوتار بابا را بگذار، من هم می‌گذاشتم و فرار می‌کردم. این حرف مادرم را از ده سالگی ام یادم می‌آید. دو تار را سر جایش می‌گذاشتم و یک گوشه مرتب می‌نشستم که مثلا من دست نزده‌ام. غافل از اینکه صدای دوتار بیرون از خانه رفته است. بعد از چند وقت پدرم ساز خودش که همیشه دستش بود را به من داد. گفتم بابا خوب می‌خواند این ساز. گفت همین مال تو. ساز را به من داد ولی باز هم من را رها نکرد.

نداشتن، درد بزرگ برای هنرمند

پس از درگذشت حسین سمندری، فرزندش، حسن که شاگرد و همراه پدر بوده، آموزش شاگردان را به عهده گرفته است؛ پنج سال است در باخرز آموزش دوتار را شروع کرده‌ام. دوست داشتم بیایم مشهد زندگی کنم و هنرم را به جوانان یاد بدهم تا موسیقی مقامی بماند، اما برای آموزش این هنر و حتی

سرانجام در سوم فروردین ۱۳۹۱ در سن هفتادونه سالگی از دنیا می‌رود. حسن سمندری، فرزند این دوتارنواز چیره‌دست خراسان و از نوابغ موسیقی می‌گوید: من پسر کوچک استاد سمندری هستم. همه برادرانم رفته بودند پی زندگی‌شان و من تنها فرزند خانه بودم. به غیر از اینکه در خانه، در جوار استاد بودم، هر جا که استاد اجرای برنامه داشت من را با خودش می‌برد. می‌گفتم شما را دعوت کرده‌اند. او هم می‌گفت باید بیایی.

سازم مال تو

این نوازنده با سابقه پس از سال‌ها نواختن و دل سپردن به مقام‌های مختلف، دست مرحوم پدر را خوانده است و بیان می‌کند: حتما می‌خواسته به‌ساز و دوتار و موسیقی مقامی علاقه‌مند شوم که من را با خودش به اجراهایش می‌برد. کم‌کم همین هم شد. وقتی وارد خانه می‌شد از خانه صدای دوتار می‌آمد. مادرم می‌گفت

موضوع چیست. گفت بگذارید حسن آقا بزند و تمام کند. استاد از من درخواست کرد چند آهنگ بزنم و اشک او درآمد. بالاخره همه را منقلب کردم. آنجا بود که از استاد سمندری پرسیدند بعد از شما در منطقه خراسان چه کسی است برای تار زدن. او گفت ایشان است که دارد می‌زند. تا الان هم اعلام نکردم چون مربوط به خانواده‌ام بوده. امروز، روزی است که از روی قدرت می‌گویم ایشان است. آخرین دوتار زدن استاد سمندری بود و آخرین مصاحبه استاد. ما آمدیم خانه که ناهار بخوریم. عصر همان روز استاد سمندری سکنه کرد و بعد از ۱۵ روز عمرش را به شما داد.

غلامحسین سمندری در نیمه‌های اسفند ۱۳۹۰ سکنه مغزی می‌کند. پس از آن در یکی از بیمارستان‌های تربت‌جام بستری می‌شود، اما گسترش عفونت در بدنش تاب مقاومت را از او می‌گیرد و

آخرین روزی که نواخت

نوازنده موسیقی مقامی در باخرز که تنها وارث هنر موسیقایی استاد غلامحسین سمندری است از حدود ۱۰ سال گذشته یاد می‌کند و می‌گوید: از طرف استاد محمدرضا درویشی (آهنگ‌ساز، پژوهشگر موسیقی و مؤلف دائرةالمعارف سازهای ایران) به باخرز آمده بودند. قرار شده بود بخشی را من بزنم و بخش دیگری را استاد سمندری. آهنگی معروف به «مشق پلطان» یا رزم کابلی را در کوه و بیابان می‌زدم. سرد هم بود. در بیابان آتش درست کرده بودیم و یک گروه پانزده نفره فیلم‌برداری از طرف استاد درویشی ضبط می‌کردند. بعد از پایان بخشی که من ساز زدم استاد سمندری به زبان مادری خودمان گفت اگر به گردش نمی‌رسی واگرد! و ساز نزد استاد خواستند که برای آن‌ها باز کند

کتابی که درباره کوچه‌های مردم خراسان است



یادداشتی درباره نمایشگاه «در بند کردن رنگین کمان» در نگارخانه رادین

رد رفاقت روی دیوارهای تازه رنگ‌شده

نشسته‌اند و برای منظوری به غیر از نمایش صرف، به آنجا آورده شده‌اند. نمایشگاهی که اسمش به غلبه بر مرارت‌ها اشاره دارد.

در این نمایشگاه گروهی نقاشی که با نام «در بند کردن رنگین‌کمان» برگزار شده است، آثار ارزشمند محمود آزادنیا، مریم آیین، محمد ابوترابی، مریم اصفهانی، حمید امامی، آذر انورحسینی، لادن اورنگی، محمدجعفر پاکروان، میترا تشکری، حسین خنجری، مسعود رستگار،

نگارخانه دارم ولی از اینکه دوباره سرپا شده و درهایش را روی هنر و مردم باز کرده، به قدر زیادی خوشحال هستم. برای همین این‌بار قصد ندارم از تابلوهایی به تماشا گذاشته‌شده در این نگارخانه صحبت بکنم. چون اگر بخواهم در مورد آثار به نمایش درآمده بنویسم، باید کل صفحات روزنامه را اشغال کنم که تقریبا ناشدنی است ولی می‌شود در این نمایشگاه یک چیز را به وضوح دید. تابلوها از سر رفاقت بر دیوارهای تازه رنگ‌شده نگارخانه رادین

جمعی، فوجی از آدم‌ها را هم برده بود. جایی که کم‌وبیش همه اهالی هنر و قلم می‌شناسند. جایی که بعد از آن همه جنجالی که در اطرافش درست شد، سرپا باقی ماند و کج دار و مریز به حیاتش ادامه داد. جایی که اوایل امسال، رمقش را مرض کرونا تحلیل برد و درهایش را بست. جایی که اسمش روی هر ساختمانی بیاید «نگارخانه رادین» می‌شود! هرچند گاهی اوقات اختلاف نظری با سلیقه و طرز نگاه حمید طالبی به عنوان گرداننده

که به تعداد زیاد، در شعر شاعرها و نوشته نویسنده‌ها، آمده است. یک‌طورهایی انگار الهام‌بخش آن‌ها بوده و با توسل به همین کلمه، در سوگ آدم‌ها و موقعیت‌های از دست‌شده تا به حال منظومه‌ها و کتاب‌های زیادی نوشته‌اند. ولی به جایش آمدن و مخصوصا بازآمدن، اگر نگویم همیشه ولی در بیشتر موارد، شیرین و دل‌چسب است. می‌خواهم از دوباره آمدن یک مکان مخصوص برایتان بگویم. جایی که نه فقط رفته بود که با خودش خاطره

امیرمنصور رحیمیان

در بیشتر مواقع، رفتن غم‌انگیز و دلگیر است. رفتن یک رفیق، یک نفر که خیلی دوستش داریم، بسته شدن یک مکان بخصوص و یا حتی رفتن خود آدم به جبر به جایی بعید، سخت و ملال‌آور است. برای همین هم تبعید، به عنوان یک مجازات اختراع شده است. به هر حال رفتن فعلی است

